بسم الله الرحمن الرحیم

فتح

إنا فتحنا لك فتحاً مبینا

دور دوم نشراتی شماره هفدهم ٢٤ اسد ١٣٧٣ هـ ش
٩ ربیع الاول ١٤١٥ هـ ق. ١٥ - اگست ١٩٩٤ م.

شورای امنیت سازمان ملل خواستار منع ارسال سلاح از خارج به افغانستان گردید.

شورای امنیت سازمان ملل متحد طی نشستی خواستار پایان جنگ و توقف ارسال سلاح از خارج به افغانستان گردید.

شورای امنیت از تمام کشور های جهان تقاضا به عمل آورد از فرستادن سلاح که باعث ادامه جنگ های خونین در افغانستان گردیده است خود داری نمایند.

همچنان شوارای امنیت ازتلاشهای محمود مستری نمایندد خاص سرمنشی آن سازمان در رابطه با افغانستان حمایت نمودد از افغانها خواسته است برای تأمین صلح با سازمان نامبرده همکاری نمایند.

ددریو جهادی تنظیمونو هیئت د هیواد له جمهور رئیس سره ولیدل

د افغانستان د اوسنی بحران د حل په غرض دسوله پیزو هڅو په لړ کی د دریو جهادی تنظیمو هیئت په کابل کی د هیواد له جمهوررئیس پروفیسور برهان الدین ربانی سره ولیدل.

پدغه هیئت کی دحرکت انقلاب اسلامی افغانستان مشر مولوی محمد نبی محمدی،د حرکت اسلامی افغانستان مشر شیخ آصف محسنی او د محاذ ملی اسلامی دمشر استازی حامد گیلانی شامل دی.

در ادامه جنگ افروزی ملیشه ها:

مناطق مسکونی، دولتی، شفاخانه ها و مراکز ملل متحد در کابل هدف فیرصد هاراکت قرار گرفت



انبارهای ادویه ستاك وزارت صحت عامه حریق گردید

گزارشهای رادیو افغانستان و منابع بین المللی از کابل حاکسیت از روز پیجشنبه ٢٠ اسد سال جاری به این طرف پس از شکست های پی در پی حملات زمنی و تعرض ملیشه ها که از استقامت های مختلف بالای مواضع اردوی اسلامی آغاز گردید ملیشه های شکست خورده و سفاك با فیر صد ها راکت به سوی مناطق مسکونی و غیر نظامی ، شفاخانه چهارصد بستر، شفاخانه جمهوریت، دفتر ملل متحد و ذخیره خانه های وزارت صحت عامه را مورد حمله قرار داده خسارات و تلفات جانی و مالی زیادی به هموطنان وارد آوردند گزارشها می افزاید در جریان حملات صد ها تن از هموطنان ما شهید و مجروح شده دیپو های ادویه و سامان آلات طبی حریق گردید.

ملیشه ها که قدرت جنگ رو یاروی را از دست داده اند به حملات کور وبی هدف موشکی افزوده اند.

په پلخمری کی

دملیشیانو یوه هلیکوپتر الوتکه رانسکوره شوه

ص(٨)

به مناسبت هفتاد و پنجمین سالگرد استرداد استقلال کشور

استقلال، آزادی، حکومت اسلامی

ص(٣)

میلاد محمد ﷺ

ص(٤)

د جهادی گوندونو سوله پیز ماموریت او دهغوی تاریخی مسؤلیت

ص(٢)

ائتلاف هماهنگی و تأکید به ادامه جنگ

ص(٢)

قطع مداخله خارجی راه پایان جنگ

مداخله در امور داخلی افغانستان از خارج امروز به صورت یکی از حقایق تلخ ومسلم در آمده است. دیگر هیچ کسی در افغانستان وجود ندارد که در دریافت کمك های هنگفت مالی و نظامی ائتلاف هماهنگی از دشمنان آبادی و آزادی کشور شان اندکترین شکی داشته باشد.

اگر کمکهای بیدریغ دشمنان افغانستان مستقل و نیرومند نبود ملیشه های بغاوتگر هرگز قادر به ادامهء جنگ برای روزهای محدودی نبودند چه رسد به بیشتر از دوسال جنگ تمام عیار.

بدون شك ت ش در جهت قطع این مداخلات عامل مهمی در راه پایان دادن به جنگ وب: گشت صلح پایدار به کشور است.

دولت اسلامی افغانستان مکرراً مداخلات خارجی را عامل اساسی استمرار جنگ دانسته و بار بار از جهت های مداخله گر به اشاره و تصریح یاد کرده است.

فیصله اخیر شورای امنیت سازمان ملل مبنی بر قطع ارسال سلاح به افغانستان گام مهمی است در این راستا که تا هنوز برداشته می شود. اما این اقدام وقتی ارزش واقعی خود را می یابد که جنبه عملی گیرد و در محدوده، اوراق بایگانی سازمان ملل در حد یك فیصله محض باقی نماند.

اکنون که دامنه موشکباری ائتلاف و برانگرهماهنگی بعد از ناکامی های پیاپی در عرصه های نظامی بیشتر از پیش متوجه مناطق مسکونی و مؤسسات انسانی از قبیل شفاخانه ها و مدارس و مکاتب و ..و.. گردیده است، عمل جدی سازمان ملل را در تطبیق فیصله شورای امنیت نسبت به هر زمان دیگر فوری تر می سازد.

گزارش مفصلی از تدویر شورای عالی اسلامی در هرات

ص(٥)

در نتیجه ضد حمله نیرو های دولت اسلامی افغانستان:

چهار موضع مستحکم ملیشه ها در ولسوالی بگرامی به تصرف اردوی اسلامي در آمد

ص(٨)

بانامه های خوانندگان

ص(٦)

افغانستان در هفته ایکه گذشت

ص(٣)

موضوع هفته

ائتلاف هماهنگی و تأکید به ادامهٔ جنگ

شورای امنیت سازمان ملل متحد ضمن ابراز نگرانی از ادامه، جنگ در افغانستان، خواهان قطع این جنگ ها گردیده و از تمام کشور ها درخواست نمود تا از ارسال اسلحه به افغانستان جلوگیری نمایند زیرا این جنگ ها برای امنیت کشور های همسایه نیز خطر ناك است.

این تقاضا را شورای امنیت سازمان ملل متحد زمانی اعلام میدارد که شورای همآهنگی سلسله، جدیدی از حملات راکتی بالای شهر کابل را آغاز کرده اند . درین حملات نه تنها منازل مسکونی مردم هدف قرار گرفته است بلکه شفاخانه ها و دیپو های ذخیره، ادویه از جمله اهداف اصلی آتش این راکت ها بوده است. زمانیکه شورای امنیت به صدور این اعلامیه در مورد افغانستان می پرداخت چندین راکت نیز بر ساختمان دفتر سازمان ملل متحر در کابل اصابت کرد و قسمتی از این ساختمان ویران شد.

چرا ائتلاف هم آهنگی چنین کینه توزانه خانه های مردم کابل را ویران می کنند و بیماران را در شفاخانه ها به شهادت می رساند؟

دلیل این خشم که به پرتاب راکت های بی هدف بالای شهریان کابل انجامید فقط اینست که حملات ائتلاف هم آهنگی بالای مواضع دولت در بسیاری از مناطق شمال افغانستان به شکست مواجه شد و نیرو های آنان با تحمل تلفات سنگین ناچار به عقب نشینی گردیدند. تلاش آنان برای بستن راه شیرخان بندر به کابل به نتیجه نرسید و در میدان شهر نیز بسیاری از پوسته های مهم آنان بدست نیرو های دولتی فتح شد.

آنها برای بازپس گرفتن تپه، مرنجان و بالاحصار دست به چندین حمله بزرگ زدند که بارشادت و پایمردی مدافعین این سنگرها حملات آنها دفع شد و هر بار تلفات سنگین بر مهاجمین وارد آمد. ائتلاف هم آهنگی برای توجیه این شکست ها به تبلیغات علیه دولت دست زد که گویا دولت افغانستان از هندوستان کمك نظامی دریافت میکند. هدف از این تبلیغات آن بود تا از یك طرف روابط میان افغانستان و پاکستان را خراب سازند و از جانب دیگر با عنوان نمودن این شایعه، بر کمك نظامی که مداخله گران خارجی در اختیار ائتلاف هم آهنگی قرار میدهد پرده بیاندازد.

طبیعی است که دست های مداخله گر خارجی در برابر کمك های خود به ائتلاف همآهنگی از آنها انتظار دارند تا در برابر دولت بصورت مؤثر تر به عمل نظامی مبادرت ورزند نه اینکه هر بار خبر شکست و عقب نشینی آنان حاصل دیگر ببار نیاورد. شایعه کمك نظامی هندوستان به دولت در توجیه همین شکست ها براه افتاده است.

قرار اطلاعات مؤثق که در بعضی از روزنامه های پاکستانی هم منعکس گردیده حکمتیار در سه شنبه هفته گذشته بصورت مخفیانه به پاکستان آمده و در منزل صبغت الله مجددی اقامت گزیده است. قبل از رسیدن حکمتیار به پشاور یك طیاره دوستم که سیزده جنرال ملیشه را حمل می نمود در یکی از میدان های هوایی نظامی پشاور فرود آمد. فرود بدون مقدمه این طیاره موجب سر وصدا هایی گردید که حتی در مطبوعات پاکستان نیز انعکاس یافت. بعداً این معضله با پا در میانی بعضی از ادارات پاکستانی حل شد.

سفر این سیزده جنرال بصورت همزمان با سفر حکمتیار به پشاور نشان میدهد که ائتلاف هم آهنگی بدنبال شکست های پیهم در صدد تجدید سازمان دهی نظامی خود بر آمده است تا سلسله جدیدی از جنگ های ویرانگر و خونین را بر ملت ما تحمیل نمایند. این گرد همایی در حالی صورت می گیرد که از یکطرف هیئت صلح مشتمل بر سه تن از رهبران جهادی ، محترم مولوی محمدی، محمد آصف محسنی و نماینده پیر سید احمد گیلانی در تلاش جدیدی برای ختم جنگ در کابل بسر میبرند و از جانب دیگر ستورس میسورس نماینده سرمنشی سازمان ملل متحد برای افغـــستان نیز استدعا نموده است تا جلو این جنگ ها گرفته شود و از حمله به اهداف غیر نظامی مخصوصاً مناطق مسکونی و شفاخانه ها جلوگیری گردد.

چنین بنظر میرسد که شکست های پیهم هنوز هم به شورای هم آهنگی این درس را نیاموخته است که آنها از جنگ چیزی حاصل نخواهند کرد و دوام این جنگ ها به معنی دوام شکست های پیهم برای آنان خواهد بود، اما ائتلاف هم آهنگی چاره یی جز جنگیدن ندارد زیرا دست های مداخله گر خارجی خواهان ادامه جنگ اند.

استقرار صلح در افغانستان در قدم اول مستلزم از هم پاشیدن ائتلاف هم آهنگی است زیرا مجاهدین هرگز حاضر نیستند به ملیشه ها در نظام سیاسی کشور نقشی داده شود. اینکه حکمتیار از روی بیچارگی بدامن ملیشه ها چسپیده است و حاضر نیست آنها را از صف خود دور سازد. یقیناً یکی از عوامل ادامه جنگ است. هیئت های صلح و گرد همایی های که به منظور استقرار صلح در کشور تا کنون تشکیل شده اند همه این موقف دولت اسلامی افغانستان را تائید نموده اند که به ملیشه ها نباید سهمی در ساختار سیاسی کشور داده شود، آنها باید خلع سلاح گردند. این فیصله رهبران مجاهدین که بعد از استقرار حکومت اسلامی اعلام نمودند، جز تنظیم های جهادی هیچ تنظیم سیاسی دیگر در افغانستان رسیمت نداشته و تمام حلقه های سیاسی غیر جهادی منحل اند اصلی است که بر بنیاد آن باید هر تلاش صلح استوارگردد.

د جهادی گوندونو سوله ییز ماموریت او دهغوی تاریخی مسؤلیت

نوید

د افغانستان مسلمان او زړیدلی قهرمان ولس پردیو ته د مزدور و ځیرو له لاسه ورانونکی او تباه کوونکی جګړی سره لاس او ګریوان دی ، جګړی د ټولنی هر اړخ ته زیان ورساوه« کمونستانو نه په میراث پاتی ورانی او ویجاړ اقتصاد باندی یو بل دروند پیټی هم ور زیات کړ.

خو خبره داده چی د فاسدو کمونستانو چی د روانی فاجعی اصلی عاملین دی رژیم له نسکوریدو او اسلامی دولت له ټینګیدو نه وروسته ولی افغانان د یوی ورانونکی جګړی د اور په ژبغرانده شعلو کی سوزی؟ د جګړی مسؤل څوك دی؟ د دولت پر خلاف کوم لوری د تفاهم او خبرو پر ځای جګړی ته لاس اوږد کړیدی؟ کوم لوری همیش د ټوپك په ژبه خپله خبره کړی او منطق اوعقل باندی بنیه ایښی ده؟ آیا دولت دا جګړه پیل کړی او دهیواد ورانی ته یی ملا تړلی که د دولت مخالفینو ؟ او داسی نوری پوښتنی دی چی دافغانانواکثریت سره یی ځوابونه موجود دی خو داخبر د لمر په شان ښکاره ده چی د اوسنی جګړی او تیرو جګړو مسؤلین کوم لوری دی؟ او کوم بهرنی لاسونه د دوی تر شاه دی، افغانان اوس پوره باور لری چی دا جګړه کورنی نده، دا جګړه خپل منځی نده بلکه دا جګړه د بهرنیو لاسوهنو د کړیو یوه کړی ده چی نه غواړی د مجاهدینو حکومت حُواکمن شی په افغانستان کی د مجاهدینو نوی په پښو دریدلي اسلامی دولت حُواکمن شی،د جهاد د عظمت او قربانی په بیه ګټل شوی اسلامی دولت پخپلو پښو ودریږی ، او همداسی کورنی ځیری د بهرنی لاسوهنی د سر ته رسیدو او د خپل بهرنی ماموریت د پلی کیدو په خاطر وظیفه لری چی ددغو اهدافو په وړاندي خنډونه رامینځته او د افغانانو د سپیځلو ارمانونو مخه ونیسی.

اوس چی په هیواد کی جګړه روانه ده او متعدد و کمیسیونونو، شوراګانو، د علماؤ هیت او بهرنی مؤسسو او اسلامی هیوادونو ددغی جګړی کراریدو لپاره متعددی هڅی کړیدی، خو نه یواځی داچی سوله نده ټینګ شوی بلکه یوی ستری جګړی ته زمینه رامینځ ته شوی او دجګړی اور توند شویدی .

البته دا خبره پدی معنی نده چی د هر لوری د سوله ییزوهڅو لپاره درد ځواب وی خو ددغو حساسو او نازکو شرایطودرك باید افغانان په مجموع کی او په ځانګړی توګه جهادی تنظیمونه وکړی.

دافغانستاان اسلامی دولت سر بیره پردی چی هر سوله ییز هیئت او هری سوله ییزی طرحی ته هر کلی وایی په څرګندو ټکو کی غوښتنه کوی چی باید سوله ییز کمیسیونونه او هیئتونودي دجګړی ملامت لوری څرګندکړی، او دهغه لوری په وړاندی چی د سوله ییز کمیسیون یا هیئت پریکړو ته په درنه سترګه نه ګوری په پوره قاطعیت یی په وړاندی ودریږی او د اسلام د سپیڅلو اصولو په رڼا کی دی ورسره عمل وکړی.

دافغانستان اسلامی دولت جمهور رئیس پدی اړه وایی:

«زما ګیله له هغو تنظیمونو او ورونو څخه ده چی پدغه بحران کی بیغرض او بیطرف پاتی شویدی زمونږ ګیله دا ده چی دوی ولی بیطرف پاتی شویدی آیا داوړه لوری برحق دی ، آیا داوړه لوری باطل دی حقیقت دا دی چی یو لوری برحق یا یو لوری ډیر زیات پر مباشری لیاری روان دی او بل لوری کی تیرو تنی لړ دی، خو دوی داسی دریځ غوره نکړ».

د سوله ییزو هڅو په لړ کی چی اوس د دریو جهادی تنظیمونو هیئت دسولي په راوستلو او ټینګولو بوخت دی باید تیری تجربی او ناکامی هڅی په پام کی ونیسی او د ټولنی له واقعیتونو سره واقعبینانه عمل وکړی او د اسلام د دغه سپیڅلی اصل دپلی کیدو لپاره لاره اواره کړی چی که چیرته ستاسو په منځ کی شخړه رامینځته کیږی او مصلحین دسولی او اصلاح لپاره کوښښ وکړی بیا هغه لوری چی د سولی مخالفت کوی او د مصلحینو پر پریکړو پښه ږدي د هغه په وړاندی باید په کلکه ودریږی او د قرآن حکم پر ځای کړی هر لوری چی د سولی سره مخالفت ښکاره کړی باید هغه باغی وګرځول شی او د هغه پر خلاف دی جګړه پیل شی که دا لوری اسلامی دولت وی او یا د دولت مخالفین هغه جهادی مشران چی اوس په سوله ییزو هڅو بوخت دی باید خپل تاریخی مسؤلیت درك کړی او د پورته ذکر شوی اسلامی اصل په رڼاکی دی خپله پریکړه اعلان کړی چی لدی لاری به ډیر ژر د سولی لپاره زمینه مساعده شی،

میــــــــــــلاد ...

آمنه روی به سوي پسرش کرده او را با مهر در انتظار دایه هایی که از بادیه براي تربیت فرزندان اشراف می آمدند نوازش مینمود.

زنان بادیه نشین که بدین قصد به مکه می آمدند طالب رزقی و سهولتی بودند.

ومحمد صلی الله علیه وسلم پدری نداشت که عطایایش در انتظار باشد، و ثروتی نداشت که بهره از آن کسي را فریفته سازد، پس جاي تعجب نیست که دایه ها از او روي برتابند و در جستجوی دگری گردند.

و «حلیمه دختر ابوذؤیب» از قبیله، بني سعد یکي از واردان مکه بود که میخواست با طفل شیر خواری باز گردد که از مدرك پرستاری او در زندگي کمك جوید. در اول امر طفل یتیمی آرزویش را برآورده نتوانست، او به خواسته اش دست نیافت و ازینکه دست خالی باز گردد شرمگین بود بناءً به سوي«آمنه» رجوع کرد تا از وي «محمد» را بگیرد.

و قدومش براي حلیمه همگام با برکت بود، قبل از وی سالهایش خشك بود و خداوند بر وي با خیر چند برابر منت گذاشت: پستانها بعد از خشکی پر از شیر گشت و زندگي نرم شدو طراوت یافت. حلیمه و شوهر و فرزندش دانستند که بازگشت شان از مکه با سعادت و غنیمت توأم بوده است نه با فقر و یتیمی. واین شعور بیشتر موجب علاقه وتکریم آنان نسبت به طفل گردید.

پرورش اطفال در بادیه که در جوار طبیعت به شادمانی پردازند و از فضای باز و شعاع آزادش بهره جویند، به تطهیر فطرت و رشد اعضا و مشاعر و آزادی افکار و عواطف نزدیکتر است.

این بدبختی است که فرزندان ما در خانه هاي تنگ و بهم پیوسته اي مانند قطی هاي سربسته زندگی مي کنند و از لذت تنفس عمیق و هوای گوارا محروم می شوند.

و بدون شك اضطراب عصبي ایکه با تمدن جدید همراه است به دور ماندن از طبیعت و غرق شدن در زندگی تصنعی باز می گردد . و ماتوجه اهل مکه را به بادیه که عرصه های فراخ آن محل گشت و گذار اطفال شان باشد به دیده، قدر مي نگریم. و بسیاری از دانشمندان تربیت دوست دارند که طبیعت آموزشگاه نخستین طفل باشد تا دیدگاه هایش باحقایق هستی ای که در آن پیدا شده است همآهنگ شود. و معلوم می گردد این خواب شیرینی است که تحقق بخشیدن به آن مشکل است.

بمناسبت هفتاد و پنجمین سالگرد استراد استقلال کشور

هما

استقلال، آزادی، حکومت اسلامی

بار دیگر در آستانه هفتاد و پنجمین سالگرد استراد استقلال کشور مان افغانستان عزیز از چنگ استعمار کهن قرار داریم ، لازم است بیاد این روز بزرگ و اظهار سپاس وقدردانی از مجاهدان راه استقلال و آزادی یاد و خاطره آنها را گرامی بداریم.

در ایامیکه چتر استعمار از کران تا کران جهان گسترده شده بود. بریتانیا از هم قطارانش سبقت آشکار داشت و تعداد زیادی از کشور های آزاد و مستقل دنیا درمحور استعمار انگلیس دست و پا میزدند.

مرکز عمده بخش و گسترش استعمار در قاره آسیا هند بریتانیوی (هندوستان، پاکستان و بنگله دیش امروز) به حساب میرفت در حالیکه مسابقه برای مستعمره سازی در میان کشور های استعمار گر مانند انگلیس، روس ، فرانسه و...... به اوج خود رسیده بود افغانستان در قلب آسیا با داشتن موقعیت حساس جغرافیایی و ذخایر زیر زمینی فراوان و دست نخورده مورد توجه و اهمیت خاص قرار گرفت.

بریتانیا و روسیه تزاری هر کدام بنوبه خود برای اشغال و تسلط بر افغانستان مدیریت های مستقل ایجاد نموده و درصدد توطئه و بهانه علیه افغانستان گردیدند.

بحران سیاسی، جنگ های داخلی میان شاهان و شهزادگان و عدم موجودیت حکومت قوی مرکزی و سبقت جستن استعمار گران برای تسلط به افغانستان که از گزند استعمار محفوظ مانده بود همه عواملی بود که پای استعمار را به قلمرو افغانستان کشاند.

بریتانیا با توصل به ذرایع مختلف از جمله حمله نظامی، تجزیه افغانستان ، ایجاد نفاق و بدبینی در میان مردمان آن و یا بوسیله عوامل و افراد دست نشانده در صدد اشغال و دست یابی به افغانستان برآمد. بناءً

استفاده از عوامل نفوذی و امرای نالایق را آسان ترین راه دانسته به وسیله آنها به خانه افغانها تاختند، انگلیس از جنوب و شرق و روسیه از شمال مناطقی از افغانستان را تحت تسلط خود در آوردند که از جمله مرو و پنجده را در شمال و پشاور، بنو، سیستان ، بلوچستان و چمن را در جنوب و شرق میتوان نام برد.

سر انجام قشون ٤٥ هزار نفری انگلیس زیر نقاب شاه شجاع در سال ١٨٣٩ به سرزمین افغانستان یورش برد و تا پای هندوکش نفوذ شانرا گسترش دادند.

هرچند انگلیسهای استعمارگر توانستند در برابر دولتهای ضعیف و بی کفایت افغانستان به آرزو های خود دست یابند و زیر پوشش سران نالایق وقت به افغانستان نفوذ نمایند ولی در مقابله با ملت مسلمان و شجاع و بیدار افغان هرگز تاب مقاومت نیاورده و با شروع جهاد آزادی چنان از هم گسیختند که از نهیب ملت تا دارالسطه هند بریتانوی آرام نگرفتند. در حالیکه در انجام صده نزدهم و آغاز قرن بیستم استعمار بریتانوی بر بیشتر از ٤٥٠ ملیون نفوس جهان در شرق و غرب عالم حکمروایی داشت و به قول معروف آفتاب در امپراطوری انگلیس غروب نمی کرد مجاهد مردان وزنان افغانستان با پیروزی از تعالیم والای اسلام نیام جهاد از غلاف بر آوردند و برای اولین بار زنجیر استعمار و هیبت بریتانیای کبیر را صغیر ساخته درهم شکستند و بر خاك ذلت مالیدنده بیشتر از چهل هزار عسکر آنها در افغانستان کشته شد و تنها جنرال زخمی از آنها باقی ماند که خبر شکست قشون انگلیس را به و ایسراي هند بریتانوی رسانید.

و بدینترتیب برای نخستین بار درس استقلال وآزادی را برای جهانیان آموختند که به شهادت تاریخ پس از شکست نظامی استعمار مکار انگلیس ، کشور های زیادی راه افغانها را در پیش گرفتند و به استقلال دست یافتند. ملت غیور و با ایمان افغان نه تنها صف شکن استعمار کهن بلکه افتخار در هم کوفتن استعمار نوین(نیوکولونیالیزم) را نیز دارا میباشند.

با افول ستاره اقبال استعمار بریتانیا روسها که از دیر زمان خواب سلطه بر افغانستان را میدیدند در سال ١٣٥٧ با پیروی از سلف شان انگلیس از طریق رویکار آوردن عمال جیره خوار شان کمونیست ها ، راه نفوذ و لشکر کشی به افغانستان را هموار ساختند.

و درسال ١٣٥٨ با بیشتر از دوصد هزار نیروی تا دندان مسلح شب هنگام حفیظ الله امین یکی از مخلص ترین افراد خود را هلاك و زمام امور را عملاً زیر نقاب منفور ترین چهرهء تاریخ افغانستان شاه شجاع ثانی(ببرك کارمل) بدست گرفتند.

مردم مسلمان افغانستان که در ضدیت و مقابله با استعمار تاریخ طولانی و درخشانی دارند با چنگ و دندان به مقابله استعمارگران روسی برخاستند و پس ازکشتن بیشتر از چهل هزار نظامی روسی(رقم مشابه به کشته شده گان انگلیس درجنگ با افغانها) ماشین جنگی روس را فلج و سر انجام کمونیزم را منفجر و اتحاد شوروی سابق را پارچه، پارچه نمودند. در حالیکه شالوده مبارزه با استعمار بریتانیا را روحیه جهادی و رهبران مذهبی همچون، ملامشك عالم، محمد جانخان وردك و... تشکیل میداد چنانچه خود انگلیس ها در نوشته های شان می نویسند« عامل شکست نیرو های ما در جنگ دوم افغان و انگلیس جنون مذهبی بوده است» این مطلب اعتراف واضح وگویای انگلیس ها است مبنی بر این که جنگ افغان و انگلیس صرفاً مصاف نظامی نه بلکه جهاد و مبارزه مقدس علیه استعمار و کفر بوده است.

با در نظر داشت این مطلب آنچه درین راستا مورد سوال ، بحث و دقت است اینست که ملت افغان در مقابله با استعمار نهایت مؤفق و پیروز از محك تجربه بدر آمده و ثابت ساختند که هیچ نیروی خارجی و بیگانه در خانه افغانها جای پای ندارد ولي چرا هم پس از انهدام استعمار کهن و هم بعد از اضمحلال استعمار نوین تلاش مردم افغانستان براي تأسیس حکومت مورد نظر و عقیده شان با مداخلات خارجی و دسایس استعمار شکست خورده و زخم برداشته، منتج به نتیجه مطلوب و مورد خواست آنها نگردید.

پاسخ این پرسش را با مطالعة اوضاع و شرایط کنونی کشور که با پیروزی جهاد وانقلاب اسلامی استقلال، آزادی و حکومت اسلامی تأمین و تشکیل گردیده است میتوان دریافت که بار دیگر استعمار با شکل و قیافه تازه وارد پیکار با ملت افغان شده و چنان فضائی ایجاد نموده تا مردم افغانستان فرصت و موقع برای کندن تمام ریشه های استعمار را نیابند و طبیعتاً موجودیت افغانستان ضعیف، دوام جنگ های داخلی و نفاق و نبودن ثبات سیاسی خود بخود منافع استعمار گران را که دیروز در میدان کار وزار نظامی شکست حفت بار خوردند و سر افگنده از افغانستان بیرون رانده شدند برآورده می نماید و به یقین میتوان گفت اوضاع فعلی کشور روی دیگر سکه ایست که استعمار برای رسیدن به آرمانهایش روی آن سرمایه گذاری زیاد نموده است. و اما مداخله گران باید از شکست استعمار گران در افغانستان درس عبرت بگیرند که حاصل مداخله جزء شکست و رسوائی ثمرهء دیگری برای آنها ببار نخواهد آورد واگر بریتانیا از مداخله و تحمیل اجیرانش و یا استعمار کمونیزم با رویکار آوردن مزدورانش در افغانستان جز رسوایی و شرمساری چیزی بدست نیاوردند مداخله گران امروز نیز سرنوشت بهتر از آنها نخواهند داشت و لو اینکه وابسته گان شانرا در چهره و لباس مقبول ترین افراد بر جامعه مسلمان افغانستان تحمیل نمایند.

افغانستان در هفته ایکه گذشت

تعدادی از افغانان مقیم روسیه از آنکشور اخراج شدند

منابع خبری از ایالت کرسنادار شوروی سابق گزارش دادند ١٨ نفر افغان مقیم آن ایالت توسط پولیس دستگیر و به شهر ترمذ در سرحد افغانسان انتقال داده شدند.

گزارش می افزاید، اخراج شده گان که همگی محصل هستند و در دوران رژیم های کمونیستی حاکم بر افغانستان به آنجا رفته بودند در حالیکه به دستان شان دست بنده زده شده بود به ترمذ انتقال یافتند.

نمایندگان سازمان ملل برای تعقیب موضوع به ایالت کرسنادار رفته تا در موردبیش از ٢٠٠ تن افغان مقیم آن ایالت با مقامات مسؤل مذاکره نماید.

لازم به یاد آوریست در حال حاضر حدود هفده هزار افغان در روسیه بسر می برند .

د ننگرهار جهادی شوری د درنو وسلو راټولول پیل کړل

د ننگرهار ولایت نه په رارسیدلی خبرونوکی ویل شویدی چی ددغی سیمی جهادی شوری تصمیم نیولی دی چی د ننگرهار د امنیت د لاسه کیدو لپاره د ټولو تنظیمونو نه درنی وسلی راټولی کړی او اردو ته یی وسپاری.

پدغو درنو وسلو کی پوځی موټر، ټانکونه، توپونه او نوری درنی وسلی شاملی دی. د ننگرهار جهادی شوری په یوه وینا کی پدی اړه ویلی دی چی دا اقدام ددی لپاره شویدی چی خلك په مطمئنه فضا کی ژوند وکړی او همداراز ویل شویدی چی راټولی شوی وسلی به بیا د ټولو گوندونو لخوا جوړ شوی ملی پوځ ته سپارل کیږی.

د پیښور په هوایی ډگر کی ددوستم پوځی الوتکه د آریانا په رنگ کی راکوزه شوه

وحدت ورځپانه: د باخبره منابعو د خبر په اساس د دوستم یوه پوځی الوتکه چی د آریانا افغان إئیر لاین رنگ ورکړ شوی وُ وروسته له څلور و ورځو نه ورته د الوتلو اجازه ورکړ شوه .

پدغه الوتکه کی پیښور ته د دوستم ١٣ تنه جنرال ملیشیان راغلی وُ، وحدت ورځپاڼه لیکی کله چی الوتکه د پیښور دپوځی هوایی ډگر په پوځی برخه کی راکوزه شوه د هوایی ډگر مسولینو غوښتنه کوله چی که الوتکه پوحی نه وی نو د هری ورځی لپاره دی د هوایی ډگر تکس چی دری سوه دالره کیږی ورکړی.

ورځپاڼه لیکی چی دا قضیه د پاکستان د لوړ رتبه پوځیانو له دخالت سره حل شوٍ او الوتکی ته د الوتلو اجازه ورکړ شوه.

اسلامی دولت به د میرویس جلیل د وژلو د پیښنی تحقیقات وکړی

د افغانستان اسلامی دولت ویلی دی چی ټول توان او ځواك به په کار واچوی تر څو د میرویس جلیل د وژلو د پیښنی تحقیقات بشپړ کړی .

همداراز اسلامی دولت به پدی هکله دایمنستی انتر نیشنل نړیوالی موسسی سره هم هر اړخیزه مرسته او همکاری وکړی تر څو پدی اړه نوموړی موسسه خپل رپوټ او تحقیق بشپړ کړی.

د یادولو وړ ده چی میرویس جلیل د دولت د مخالفینو تر کنترول لاندی سیمه کی وژل شوی ؤ.

بمناسبت دوازدهم ربیع الاول روز ولادت سرور کائنات

میلاد محمد صلی الله علیه وسلم

نوشته: محمد غزالی

ترجمه: واقف حکیمی

محمد صلی الله علیه وسلم در خانواده، پاك نسب و نجیبی که فشرده خوبیهاو فضائل عرب را در خود جمع کرده و ازبدیهائیکه موجب عار آنان می گردید ترفع جسته بود بدنیاآمد. رسول خدا صلی الله علیه وسلم در باره خودش می فرماید: «إن الله اصطفی کنانة من ولد اسماعیل و اصطفی قریشاً من کنانة، و اصطفی من قریش بنی هاشم، و اصطفاني من بني هاشم» «خداوند کنانه را از اولاد اسماعیل برگزید،و قریش را از کنانه، و از قریش بنی هاشم را بر گزید، و مرا از بنی هاشم ».

و اصالت نسب برای مرد ناکام فضلی ببار نمی آورد، مانند پولاد که وقتی در معرض زنگار قرار گیرد بهره، در آن نماند. اما اگر دست سازنده، بر آن رسیدگی نماید از آن چیز های بدیع زیادی بوجود آورد.

و به همین سبب زمانیکه پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسیده شد: گرامی ترین مردم کی ها اند؟ گفت: «... از نسب های عرب مرا می پرسید؟ » گفتند: بلی، گفت: «بهترین آنان در جاهلیت بهترین آنان در اسلام اند اگر فهمیدند».

و ولادت محمد صلی الله علیه وسلم در خانواده، با چنین منزلت از جمله، عواملی بود که خداوند برای کامیابی رسالتش آماده کرد. چون جامعه ای عربی نخستین برپایه تعصبات شدید قبیلوي بنا یافته بود، تعصباتیکه قبیله همه چیز خود را در دفاع از منزلت و کرامت خود و کرامت آنکه به او ارتباط دارد به فنا میداد.

واسلام اوقاتی اززمان را در دائره این رسم و رواجهای حاکم سپری کرد تا آنکه با قوت و نیروی خویش از آنها بی نیاز گردید. مانند درخت که بعد از برومندی و قد افراشتن از آنچه او را برمیدارد مستغنی می گردد.

و «لوط» علیه السلام وقتی بر مهانان واردش خطر احساس کرد و قبیله ای را نیافت که از وی دفاع کند یا خانواده، را که آنان رابه غیرت و حمایت از خود وادارد چیزی شبیه این رسوم را تمنا می نمود. لذا به قومش گفت: (اتقوا الله و لا تخزون في ضيفي أليس منكم رجل رشيد). سپس گفت:(لوأن لی بکم قوة أو آوي إلي ركن شديد)!! (هود: ۷۸)

ولی محمّد صلی الله علیه وسلم با وجود نجابت تبارش از ثروت و دارائی بهره، وافری نداشت. قلت دارایی همراه با شرف نژادش سبب جمع کردن بهترین ارزشهای طبقات مختلف مردم در اصل نشئتش شده بود.

افراد خانواده های بزرگ را ثروت آمیخته باسلطه و زور فریفته مي سازد ، پس اگر این سلاح را از دست دادند و عنعنات ارزشمندی داشتند تلاشهای خسته کنی بخرچ میدهند تا مقام و غرور شان را حفظ نمایند.

وشاید بعض مردم در اعلان تنگدستی وکشف صورت خود اشکالی نبینند، لیکن افراد دیگری وجود دارند که غمهای خود را باهمت و شهامت پنهان مي کنند و با اراده و صاحب تصمیم ظاهر مي شوند و از این گروه است عبدالمطلب..

عبدالمطلب سردار مکه بود، ولي این پیشوائی که به او رسیده بود با او خاتمه یافت و در نسلهای بعد از وی ادامه پیدا نکرد، زیرا که بازوی رقیبان آنها در زعامت ام القری نیروي بیشتر گرفت، وچنین نمود که رهبری به آنان خواهد رسید. بلکه سالهایی نگذشته بود که خانواده،« عبدشمس» به اریکه صدارت تکیه زد، و باز سالهای دیگری سپری میشود مي بینیم ابو سفیان زعیم مکه مي گردد، و بدین ترتیب رهبری ازبني هاشم انتقال مي یابد.

و«عبدالله» کوچکترین پسران عبدالمطلب بود، در قلب و منزلت با شکوهی داشت، و«آمنه دختر وهب» را به زنی برایش داد و بعد او را در تلاش زندگی تنها رها کرد، لذا بعد از چندماهی از عروسی اش با آمنه به قصد سفر از خانه برآمد، به اطراف زمین بخاطر کسب رزق سفر می کرد، و در رحله، تابستان به شام رفت، رفت و بازنه گشت... قافله در حالي که خبر بیماری او را با خود حمل می نمود باز گشت، وپس از اندکی، آوازه ای مرگش فرا رسید .

وآمنه در انتظار شوهر جوان و زرنگش بود تا با زندگی در کنار او لذت برد، و او را از جنین بطنش که نزدیك است چشم هایشان به میلادش نور گیرد آگاه سازد.

ولی قدر الهي- به حکمت علیایی - به این آرزو های شیرین پایان داد و این زن-محسود را بیوه ساخت؛ شبها را یکی پی دیگر مي شمارید تا بیگانه یتیمش را تسلیم زندگي و حشتبار نماید.

زهری می گوید: عبدالمطلب پسرش عبدالله را به مدینه فرستاد که برایشان خرما بیاورد و او درآنجا وفات یافت. و گفته شده: بلکه او در شام بود، در قافله قریش برگشت و در حالی که بیمار بود در مدینه پائین شد و در آنجا وفات کرد و در خانه، نابغه جعدی دفن گردید، او بیست وپنج سال عمر داشت، و قبل از آنکه رسول خدا صلی الله علیه وسلم بدنیا آید وفات نمود.

***

محمد صلی الله علیه وسلم در مکه در یك ولادت عادی بدنیا آمد، در ولادتش چیز تعجب آوریی به وقوع نه پیوست، و مؤرخان از تحدید روز و ماه و سال تولدش بصورت دقیق بدر نیامدند، و اغلب روایات تولدش را در سال هجوم حبشی ها بر مکه در سال ۵۷۰ م، دوازدهم ربیع الاول ۵۳ قبل از هجرت گفته اند.

و از دیدگاه اسلامی چیز مهمی به تحدید روز میلاد ارتباط نمي گیرد ، چون جشنهایی که به این مناسبت برپا مي شود رسم دینویی است که به شریعت رابطه ای ندارد.

و برخی از مورخان وقوع اشاراتی را به بعثت رسول خدا درهنگام میلاد روایت کرده اند، گفته اند چهارده کنگره قصر کسری فرو ریخت، آتش معبد زردشتی ها خاموش گردید، و کلیسا های اطراف دریاچه ای«ساوه» بعد از فرو رفتن آن نابود شدند. بوصیري شاعر مشهور عرب مي گوید:

«أبان مولده عن طيب عنصره
يا طيب مبتداء منه و مختتم
يوم تفرس فيه الفرس أنهم
قد أنذروا بحلول البؤس والنقم
وبات ايوان كسرى و هو منصدع
كشمل أصحاب كسرى غير ملتئم
والنارخامدة الأنفاس من أسف
عليه، و النهر سياهي العين من سدم
و ساء ساوة أن غاضت بحيرتها
وردّ و اردها بالغيظ حين ظمئ»

«مولد او پاکی اصل او را ظاهر ساخت. ای خوشا ابتدای کار او و انتهای کار او.

روزي که فارسیان دریافتند که به فرود آمدن بلا و عقوبتها بیم داده شدند.

وطاق ایوان کسری شب ولادت او شگافته شد، همچون اجتماع اهل دولت او که هرگز دیگر جمع نشدند و انضمام والتیام نیافتند.

و آتش کده فارس از اسف و اندوه بر او فرو نشست، و نهر آن از تشنگی خشکید، و بدرسید ساوه را آنکه دریاچه از فرو رفت، طالب آب از آن در حالي که تشنه بود بخشم و اندوه باز گردانیده شد.

و این سخن تعبیر غلطی است از یك اندیشه صحیح، میلاد محمد صلی الله علیه وسلم در حقیقت اعلان زوال ظلم و پایان دوران و فروریختن نشانه های آن بود،و چنین بود میلاد موسی علیه السلام ، آیا نمي بینی وقتي خداوند جبروت فرعون وخضوع و طاعت مردم را در برابر سرکشی او بیان داشت، سپس اراده اش را در آزاد سازي برده گان و نجات مستضعفان اعلان نمود، قصه، قهرماني را که این اعمال را انجام میدهد بر ایمان باز گو کرد. گفت: (و أو حينا إلى أم موسى أن أرضعيه...) « ما به مادر موسی وحي کردیم که او (موسی) را شیر بده...».

رسالت محمد بن عبدالله صلی الله علیه وسلم مهمترین انقلابی در آزادی عقلی و مادي بود که جهان آنرا دیده است. ولشکریان قرآن عادلترین مرد مي بودند که تاریخ آنانرا شناخته و اعمال شانرا در سرکوب سرکشان شان و مستبدان، طاغوتی پی طاغوت دگر ثبت نموده است.

پس زمانیکه مردم بعد از آزادی از زنجیر های ظلم- خواستند این حقیقت را تصویر کنند، به خیال باقی این پیشگویی ها پرداختند، و برای آنها روایات واهی ساختند، و محمد صلی الله علیه وسلم از همه اینها مستغنی است، چون بهره، وافرش از واقع پرشرف ما را از این روایات و امثال آنها بي نیاز مي گرداند.

***

عبدالمطلب میلاد نواده اش را با سرور و خوشحالی استقبال کرد، شاید در مقدم او عوضی از پسرش را که مرگ جوانیش را در هم شکسته بود، می دید، پس مشاعرش را از سفر کرده، رخت بربسته بسوی وارد جدید که نگهداریش مي کرد و عزیزش میداشت، متوجه کرد.

و از موافقات نکو آنکه عبدالمطلب در نام گزاری نواده اش به «محمد» الهام مي شود. این تسمیه اي بود که فرشته گرامیکاو را در انتخابش یاری کرد! این اسم گزاری ها در میان عرب مأنوس نبود ، نبا بر این از وي پرسیدند : چرا از اسمای نیاکانش روی گردانیده است؟ در پاسخ گفت: خواستم که خداوند او را در آسمان بستاید و مردم در زمین، چنین مي نماید که این اراده دریافتی بود از غیب، هیچ یکی از خلق خدا بخاطر آنچه انجام داده و سود بخشیده شایسته شکر گزاری و ستایش چنانکه پیامبر عربي ستوده سزاوار آن است، نمی باشد.

از ابو هریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند:« آیا تعجب نمی کنید که خداوند چگونه دشنام و لعن قریش را از من دور می سازد؟ آنها بسیار نکوهید ای را مورد شتم قرار میدهند در حالي که من ستوده هستم!»

لیکن آن حقیقت ناگوار - علی الرغم محبت جد مهربان - وجود دارد، چون محمد یتیم است. چشم بدنیا کشود بعد از آنکه پدرش دنیا را ترك گفته بود. هر چه باشد!! فرض کنیم عبدالله زنده مي بود!! پس چه توقع مي رفت که برای فرزندش انجام دهد؟ آیا او راتربیت مي کرد تا نبوت را برایش بخشد؟ این برایش میسر نبود، پدر عاملی از عوامل مختلفی است که آینده طفل را رقم مي زند و در زندگی برایش مجرا باز مینماید، اگر پیامبری به اکتساب هم بود حیات پدر آنرا وجبی نزدیك نمی نمود، پس چگونه خواهد بود در حالي که آن برمبنای گزینش و اختیار است؟

یعقوب علیه السلام زنده بود، به کهن سالي و پیری رسیده و از تجربه و حکمت برخوردار بود، بلکه نبوت داشت. و روزی نظر انداخت تا یوسف را ببیند اما او را قریب خود نیافت، یوسف در مهمترین لحظات زندگی از وي ناپدید شد، هنگام نرمي صباوت و تازگی بلوغ، با وجودفساد محیط هایی که یوسف را احاطه کرده بودند از باطنش تقوي و طهارت تراوش مي کرد، چنانکه چراغ در پنهانیهای شب تار روشن مي شود. زمانیکه پسر وپدر بعد از مدتی با هم ملاقی شدند، یعقوب پسرش را پیامبر صدیقی یافت... عبدالله رفت و پسرش را یتیم گذاشت، ولي این یتیم از همان لحظه نخست برای امر بزرگی آماده کرده مي شد، امریکه به سببش امام صف آراسته گان برگزیده می گردید. و پدر وجد، نزدیکان و دور ان، زمین وآسمان چیز هایی جز وسایلی در خدمت قدر الهی ورسانیدن نعمت خداوند برای آنکه خداوند او را اختیار کرده است، نیستند.

(۲)

گزارش مفصلی از تدویر شوری عالی اسلامی در هرات

ما در شماره قبلی فتح ضمن مطالبی در باره، شورای عالی اسلامی افغانستان در هرات قطعنامه این شورای عظیم را به نشر سپردیم و اینك گزارش عینی گزارشگر مان را پیرامون این شوری همراه با مصوبات کمسیونهای سیاسی ونظامی آن تقدیم خوانندگان عزیز خود می نمائیم. اداره

شورای عالی اسلامی ولایات افغانستان در هرات بدون تردید در این مقطع حساس کنونی تاریخ کشور ما مهم ترین رویداد تاریخی محسوب می شود. زیرا در حالت بحران موجود که صلح و ثبات مملکت ما را دستان مداخله گر خارجی برهم میزند و با براه انداختن دسایس و توطئه های گوناگون از تحقق اراده و خواست مردم افغانستان در تعین سرنوشت سیاسی شأن جلوگیری مینملیذ، تجمع نهصد نفر از والیان، و قوماندانان جهاد، شخصیت های نخبه، سیاسی و فرهنگی کشور چه از داخل و چه از بیرون یك حرکت شجاعانه برای تصمیم گیری مسایل مختلف کشور مطابق اراده و آرمان خود مردم است.

این شورا که از۲۹ سرطان ۱۳۷۳ تا ۳ اسد ۱۳۷۳ طی شش روز رسماً در شهر باستانی هرات ادامه یافت در پانزده سال اخیر جهاد منحصر به فرد بود. هرچند شورای اهل حل و عقد منعقده، مرکز در جدی ۱۳۷۱ به عنوان بزرگترین شورای آزاد و مستقل مردم برای تعیین زعامت کشور بدور از مداخله، خارجی تشکیل شد اما این شوری در شرایطیکه جنگ و سیع و تمام عیار ملیشه ها با همکاری و هدایت حلقات مداخله گر خارجی علیه دولت و ملت ما ادامه دارد، متشکل از طیف وسیع مردم اعم از قوماندانان جهاد، علماء، دانشمندان و سیاستمداران افغانی مقیم ممالك غربی و کشور های اسلامی تدویر یافت و در حالیکه دستان مداخله گر بیرونی برای جلوگیری از تدویر آن و یا حد اقل در جهت بی نتیجه پایان یافتن آن اندر کار بود با موفقیت به کار خود پایان داد، اهمیت و شکوه آنرا بیشتر تثبیت میکند و به نمایش میگذارد.

یکی از برازندگی شورای عالی اسلامی هرات که برای هر فرد داخلی و خارجی جالب و با اهمیت بود موجودیت آزادی در ابراز آراء و نظر پیرامون مطالب مورد بحث محسوب میشد، آنچه را که در غرب دموکراسی می خوانند همان روحیه دراین شوری به صراحت وجود داشت. روی تمام مواد قرائت شده از سوی مسؤولین کمیته های نظامی و سیاسی شوری که مصوبه های آن کمیته ها را پیشکش اعضای شوری میکردند مباحثات طولانی می شد. هرکس به آسانی و با آزادی تمام میتوانست نظریات مخالف و موافق خود را پیرامون مسایل مورد بحث ابراز کند و به آن رأی موافق و یا مخالف بدهد. نقطه، بسیار جالب دیگر در شوری این بود که برای اولین بار به سیاستمداران و تکنوکرات های افغانی مقیم غرب وقت داده شد تا افکار و نظریات خود را در ابعاد مختلف مسایل سیاسی، اجتماعی ونظامی کشور ارائه کنند و آنها با ارائه استدلال در باره، ماده های مصوبات کمسیون های سیاسی و نظامی و قطع نامه، شوری سهم گرفته و از لحاظ علمی و حقوقی در این زمینه ابراز نظر نمودند. برخی از افغانان مهاجر درغرب حتی در شوری اظهاراتی در مخالفت با مجاهدین داشتند، تنظیم ها را به عنوان عاملین جنگ و جنگ افروزی محکوم کردند و خواستار تشکیل حکومت بیطرف و غیر تنظیمی شدند. در حالیکه این گونه اظهارات از یکطرف بنا بر غیر عملی بودن آن نادرست محسوب میشد و از سوی دیگر با در نظر داشت آنکه در شوری جمع کثیری از فرماندهان جهاد که برای تشکیل حکومت اسلامی چهارده سال فداکاری و قربانی کرده اند در شورا حضور داشتند و اصلاً تدویر اینگونه شورا در داخل کشور بعد از ١٤ سال سلطه، کمونیزم محصول خون و شمشیر آنها بود، غیر قابل تحمل برای آنان تمام می گردید. اما علی الرغم آن سیاستمداران و تکنوکرات های افغانی مقیم غرب با آزادی نظریات خود را ابراز کردند و ممانعت و فشاری در برابر آنان بوجود نیامد.

شرکت و حضور طیف وسیع و گوناگون اقشار مردم چه از لحاظ ملی و چه از لحاظ موقف اجتماعی و طبقاتی در شورا و مباحثات آزاد پیرامون مسائل طرح شده، از یکطرف وحدت ملی را به نمایش گذاشت و از طرف دیگر ضرورت سهم گیری همه اقشار ملت را در تعیین سرنوشت کشور تثبیت نمود.

در روز های ۲۹ و ۳۰ سرطان مصوبه، کمیته، سیاسی شورای عالی اسلامی به بحث آزاد شوری گذاشته شد. در روز های اول و دوم اسد روی مصوبه، کمیته، نظامی بحث شد و به روز سوم اسد قطع نامه شوری بعد از مباحثه طولانی و آزاد اعضای شوری به تصویب رسید. احساسات و عکس العمل اعضای شوری در رابطه مداخلات خارجی در امور کشور مان با شدت ابراز میگردید همه اعضای شوری و همه افراد شرکت کننده اعم از قوماندان جهاد، والی ولایت، متنفذ قوم، عالم دین، سیاستمدار و تکنوکرات به اتفاق آراء مشکل و بحران فعلی کشور را در مداخله، خارجی ها ارزیابی کردند و جداً خواستار قطع این مداخله شدند. فیصله شورا در تعیین زعامت آینده تدوین قانون اساسی ورفع هر مشکل و بحران دیگر به تشکیل لویه جرگه موکول گردید که بدون تردید میتوان گفت فیصله ای بود مطابق اراده و خواست مردم افغانستان.

همچنان مشخصه، دیگر شورا در فرا گیری وهمه جانبه بودن شورا بدور از محدوده های تنظیمی، قومی، منطقوی، زبانی و مذهبی بود. به هیچ صورت این شورا متشکل از افراد یك تنظیم به خصوص، ملیت به خصوص نبود و نه هم به طرفداری از دولت کنونی اسلامی کشور قرار داشت. در شورا قوماندانان همه تنظیم ها و افراد برجسته، آنها شخصیت ها و سیاستمداران افغانی موافق و مخالف تنظیم ها که همه از ملیت های مختلف کشور بودند شرکت داشتند. از میان والی های ولایات ۹ والی عضو حرکت انقلاب اسلامی به رهبری مولوی محمدی ده والی مربوط تنظیم جمعیت اسلامی و دو والی مربوط تنظیم محاذ ملی، (والی های قندهار و وردك)، یك والی عضو جبهه نجات ملی(والی زابل)، یك والی عضو اتحاد اسلامی (والی پکتیا) و یك والی عضو حزب وحدت(والی بامیان) بودند. علاوه بر والی ها، تعداد کثیری از قوماندانان جهادی و اعضای ارشد تنظیم ها نیز درین شورا حضور داشتند.

همچنان در شوری افغانان مقیم اروپا، امریکا و ممالك عربی که تعداد شان به ۱٦۰ نفر میرسید شرکت نموده بودند و این همانطوریکه گفتیم امر مهمی در شورا محسوب میشد.

مصوبهء کمیسیون سیاسی شورای عالی اسلامی هرات

مؤرخ ۱- ۵- ۱۳۷۳

شورای عالی اسلامی هرات که متشکل از علماء، والیان، قوماندانان جهادی، روشنفکران، دانشمندان، بزرگان قوم و نمایندگان کوچیها که نماینده های اصلی و واقعی ملت مجاهد افغان استند در فیصله ها و تصامیم خود از صلاحیت قانونی و شرعی برخوردار میباشد. بنا بر این برای حل بحران کشور و تعیین زعامت آینده و سایر مسائل مملکت، تدویر و تشکیل لویه جرگه، اسلامی یا شورای کبیر اسلامی رایك ضرورت اصلی تلقی نموده و بدین منظور کمیسیون سیاسی بخاطر تشکیل لویه جرگه نکات آتی را بدین شکل پیشکش مینماید:

۱- از هر ولایت یك یك نفر، از احزاب جهادی یك یك نفر، از نهادی های اصلاحی سه نفر، از علماء جید کشور پنج نفر از استادان پوهنتون، سه نفر از قضات، سه نفر از حقوق دانها، سه نفر از اقوام کوچی یك نفر از جمله، شخصیت های منفرد مسلمان صاحب نظر و مشهور به خبر از مهاجرین در سطح کشور پنج نفر، درمجموع این افراد اعضای کمیسیون تدویر و تشکیل شوری کبیر اسلامی یا لویه جرگه، اسلامی محسوب میشوند.

۲- نماینده گان ولایات در کمیسیون تدویر و تشکیل لویه جرگه توسط شورای عالی اسلامی هرات معرفی میشوند.

۳- رهبران و یا نمایندگان با صلاحیت احزاب جهادی به اساس تقاضای شورای عالی اسلامی هرات توسط رهبران احزاب، نمایندگان نهاد های اصلاحی توسط مجمع مشترك اصلاحی، نمایندگان استادان پوهنتون توسط شورای علمی پوهنتون، نمایندگان قضات توسط ستره محکمه و نمایندگان حقوق دانها توسط انجمن حقوق دانان افغانستان به اساس تقاضای شورای عالی اسلامی هرات در ظرف دو هفته بعد از پایان جلسه این شوری معرفی میشوند.

نوت: در تعیین نمایندگان قضات و سازمانهای اصلاحی باید تناسب ولایات در نظر گرفته شود.

٤- کمیسیون سیاسی تماء صلاحیت های کمیسیون تدویر و تشکیل شورای کبیر اسلامی یا لویه جرگه اسلامی را دارا میباشد.

۵- رئیس کمیسیون سیاسی مؤظف به جمع آوری اعضای کمیسیون تدویر لویه جرگه و تشکیل اولین جلسه، آن بوده و در اولین جلسه رئیس و منشی رسمی کمیسیون تا ختم کار آن توسط اعضای کمیسیون از طریق انتخابات آزاد و سری تعیین میگردند.

٦-کمیسیون تدویر و تشکیل شورای کبیر اسلامی(لویه جرگه) شامل کمیته های آتی میباشد:

۱- کمیته طرح و برنامه ریزی متشکل از سیزده عضو بوده، وظایف آتی را انجام میدهند.

الف- تعیین مواصفات اهلیت حقوقی افرادیکه انتخاب میشوند.

ج- ترتیب و تدوین قانون و تمام لوایح به شمول لایحه، وظایف لویه جرگه.

۲- کمیته مالی و خدمات

۳- و سایر کمیته ها که عنداللزم تشکیل میگردد.

۷- مصارف انتخابات و کمسیون تدویر و تشکیل شورای کبیر اسلامی یا لویه جرگه، اسلامی بخاطر تدویر و تشکیل لویه جرگه از سازمان ملل متحد و کنفرانس کشور های اسلامی مطالبه شود. در صورت عدم پرداخت آن، از طرف دولت تأدیه گردد.

۸- کمیسیون تدویر و تشکیل شورای کبیر اسلامی یا لویه جرگه اسلامی بعد از ختم جلسه شورای عالی اسلامی هرات در ظرف دو هفته جلسات خود را رسماً در مرکز کشور آغاز می نماید.

۹- کمیسیون تدویر و تشکیل لویه جرگه مؤظف است کار خود را تا اول عقرب ۱۳۷۳ به اتمام برساند.

۱۰- کمیسیون تدویر لویه جرگه از سازمان ملل متحد و کنفرانس کشور های اسلامی غرض نظارت بر روند انتخابات و تدویر لویه جرگه دعوت نماید.

۱۱- کمیسیون تدویر و تشکیل لویه جرگه شامل اعضای لویه جرگه بوده تا ختم کار لویه جرگه به وظایف خود ادامه میدهند و با ختم کار لویه جرگه کار کمیسیون پایان یافته وکمیسیون منحل میگردد.

۱۲- اولین جلسه، شورای کبیر اسلامی یا لویه جرگه اسلامی تحت ریاست رئیس شورای عالی اسلامی هرات دایر میگردد.

۱۳- در صورت حضور اکثریت مطلق اعضاء نصاب تکمیل گردیده جلسه رسماً دایر میگردد.

١٤- کمیسیون نظارت تحت ریاست الحاج قاری بابا والی غزنی بخاطر تنفیذ فیصله های شورای عالی اسلامی هرات ایجاد گردد.

مصوبهء کمیسیون نظامی شورای عالی اسلامی در هرات مورخ ۱۳۷۳-۵-۲

کمیسیون نظامی که بتأسی از فیصله، شورای عالی اسلامی افغانستان در هرات تشکیل گردید تحت ریاست سترجنرال محمد اسمعیل امیر عمومی حوزه، جنوب غرب جلسات خود را دایر نموده در رابطه به حل و فصل قضایای نظامی کشور جهت ایجاد صلح و آرامش، تأمین امنیت و تصفیه کشور از لوث عناصر آشوبگر و ماجرا جو، باز ساختن شاهراه های کشور و تأمین ارتباطات قوی بین مرکز و ولایات کشور طی جلسات متعدد به بحث و مداقه پرداخته به اتفاق آراء تصامیم ذیل را اتخاذ نمود:

۱- یك اردوی اسلامی یکصد هزار نفری از مجاهدین کشور جهت وظیفه، خاص تأمین صلح و امنیت سرتاسری در چوکات اردوی دولت اسلامی افغانستان تشکیل گردد.

۲- اردوی اسلامی در پنج حوزه، متعلق به پنج قول اردوی کشور که شامل حوزه مرکز، حوزه جنوب، حوزه، جنوب غرب، حوزه، شمال وحوزه، شمال شرق میباشد تنظیم میگردد.

۳- اردوی یکصد هزار نفری وظایف آتی را انجام میدهد:

الف: باز ساختن راه های مواصلاتی و اکمالاتی خاصتاً شاهراه های منتهی به مرکزکشور و تأمین امنیت آن.

ب: تصفیه راه ها و مناطق کشور از عناصر ماجرا جو، آشوبگر، ملیشه های بدنام، باغی ها و گروپ های غیر مسؤول.

ج: خلع سلاح عام و تام در سراسر کشور.

٤- اردوی اسلامی متشکل از مجاهدین تنظیم های مختلف جهادی، اصناف واقشار و ملیت های مختلف کشور میباشدکه با انضباط و دسپلین خاص نظامی و با یونیفورم نظامی، آموزش و تعلیم و تربیه نظامی مجهز بوده، در پهلوی اردوی اسلامی کشور وظیفه حفظ استقلال، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی را به عهده دارد.

۵- قطعات اردوی یکصد هزار نفری یك هفته بعد از ختم جلسه، شورای عالی اسلامی افغانستان به کار خود آغاز می نماید.

٦- اردوی یکصد هزار نفری به اساس سهم معین که از طرف نمایندگان ذیصلاح و لایات و قوماندانان جهادی داوطلبانه تشکیل گردیده به ترکیب ذیل میباشد:

حوزه، مرکز: جمعاً شانزده هزار نفر به ترتیب آتی:

ولایت کابل چهار هزار نفر، کاپیسا و پروان شش هزار نفر، لغمان دو هزار پنجصد نفر، کنر دو هزارو پنجصد نفر و نورستان یك هزار نفر.

حوزه، شمال: جمعاً نه هزار پنجصد نفر قرار آتی.

ولایت بلخ سه هزار نفر، سمنگان دو هزار نفر، جوزجان دو هزار نفر و فاریاب دو هزار و پنجصد نفر

حوزه، شمال شرق: جمعاً ده هزار و پنجصد نفر به ترتیب ذیل:

ولایت بغلان دو هزار و پنجصد نفر، کندز سه هزار نفر، تخار دو هزار و پنجصد نفر و بدخشان دو هزار و پنجصد نفر.

حوزه، جنوب غرب جمعاً بیست هزار نفر به شکل آتی:

ولایت هرات پنج هزار نفر، بادغیس دو هزار نفر، غورات یك هزار وپنجصد نفر، فراه دو هزار نفر، نیمروز یکهزار وپنجصد نفر، هلمند سه هزار نفر، کندهار سه هزار نفر، و ارزگان دو هزار نفر.

حوزه جنوب جمعاً ده هزار نفر به صورت ذیل.

ولایت لوگر یکهزارو دو صد نفر، پکتیا یکهزار و دوصد نفر، خوست یکهزارو دوصد نفر غزنی دو هزار وهشتصد نفر، زابل یك هزار و دو صد، وردك یکهزار و دوصد نفر.

با نامه های خواندگان

درحاشیه ای مصاحبه حکمتیار

مور اگر پر بر آورد مگس است

درشماره، ۸۱۳ شهادت، مصاحبه آقای گلبدین حکمتیار با گروه خبر سازان تلویزیون چهار آسیاب به نشر رسیده است . گرچه واضحست که درین مصاحبه سوالهای فرمایشی با جناب امیر مطرح شده است، اما بنا بر آن که جناب امیر برای اولین بار پس از تحمل شکست های مهم در کابل و پس از اختتام دوره، صدارت اعطایی ، سخن میگوید، این مصاحبه در خور توجه است.

جناب امیر در جواب نخستین سوال ملیشه، خبر ساز خود میگوید:« شما بگوئید با وجود اشغال بالاحصار چه تغییری در اوضاع آمده است؟ مشکل مردم را رفع کردند؟ به حل بحران دست یافتند؟»

آقای امیر الحروب!

شما میگوئید که فتح بالاحصار ارزش تلفات خود را نداشت، حالا خود قضاوت کنید که مصاحبه شما ارزش این رسوائی را دارد؟! با وجودی که جناب شما فقط از فتح بالاحصار یاد می کنید، اما بدانید که بر علاوه، تپه، مرنجان، شاه شهید،

کارته نو...... فتوحات اردوی اسلامی مجاهدین به بیخ گوش تان نزدیك شده میرود.

ببینید که چگونه خود را رسوًا کرده اید:

میگوئید که با فتح بالاحصار نیز آن ها نه تنها مشکل مردم را حل نتوانستند بلکه به حل بحران نیز دست نیافتند، یعنی که شما هنوز هم آن مقدار پایگاه در اختیار دارید که در برابر این دو خواهش سد واقع شوید، حالا خود قضاوت کنید که اگر چنین نمی گوئید پس چه میگوئید؟

دانشمندی گفته است که هیچ کسی نمیتواند نادان را بهتر از خودش رسوا سازد و شما این گفته را ثابت کردید. خود اقرار می کنید که مانع عمده حل بحران و حل مشکل مردم استید و ملیشه های بیدانش و بی فرهنگ تان نیز که چشم و دهن شما را متوجه اند آن را چاپ میکنند.

جناب طراح کودتا های ناکام !

گذشت زمان و تجربه ثابت نموده است که شما پس از هرحمله، ناکام و پس از هرشکست بهانه می کنید و معمولاً همین بهانه را می آرید که ما مصروف مذاکره بودیم تا راهی را برای پایان دادن به مصیبت های مردم پیدا کنیم واین بار نیز خجالت زده می گوئید:

«ما مصروف تفاهم ومذاکره با رهبران بودیم»

آقای کمونیست پسند!

این زهبران کی ها بودند؟

بهتر بود می گفتید که من مصروف مذاکره با رهبران خود بودم، زیرا در آن روز ها در اطراف شما فوزی ملعون، زارع، رووفی، مجددی وخلیلی دیده میشدند.

جالب است دانسته شود که شما با این ها با وجود تشکیل مثلث شیطانی هماهنگی ، باز چه تفاهم ومذاکره داشتید؟

میگویند باز هم گنجشك های هوا را می فروختید و روی تقسیم پست های دولتی مذاکره میکردید؟!

آقای شعار فروش!

مداحان فرهنگی شما همیشه ادعا می کنند که امیر ما در سطح سخنرانان جهانی مطرح است و میگویند خود را زعیم سیاسی تثبیت شده!! نیز لقب داده اید، اما در مصاحبه تان با وجودی که حقارت خورد و خمیر تان کرده ادعا می کنید که فتوحات اخیر کابل ارزش نظامی و سیاسی ندارد واضافه می کنید که در همین هنگام در جلال آباد با رهبران مصروف مذاکره در مورد تعیین سرنوشت ملت بودید، این را می پذیریم که فتوحات اخیر ارزش نداشت و شماهم مصروف مذاکرات مهم بودید، اما در برابر سوال ملیشه، تان که علت قطع سفر جلال آباد را پرسیده می گوئید: « سفر مو ددی دپاره را لنډ کړی چه دلته هغوی دا تعرض پیل کړی و مونږ مجبور شو چه سفر په نیمایی کی پریږدو بیرته راشو.»

واحسرتا!

چقدر درد آور است، با چه لحنی صحبت می کنید، گویا که بر سر آتش نشسته باشید، از جذبات واحساسات بگذریم، دانسته نشد که اگر فتوحات اخیر ارزش نداشت چرا سفر باارزش خود را قطع کردید که این همه با سوز وگداز از نا تمامی آن یاد می کنید.

چرا فوزی ملحد شما را همراهی نکرد و متواری شد، آیا این خود نشان نمیدهد که فتوحات اخیر کمر ملیشه هارا شکست و شما را با عالمی حسرت بر سر آتش نشاند.

و نمیدانم با این همه رسوائی چگونه ملیشیای تان شما را سخنران لقب داده اند؟

جناب صدراعظم!

با وجودی که وضعیت تنظیم و جبهات تان بیکفایتی مطلق تان را در عرصه های سیاسی و نظامی نمایش میدهد، اما دوره، صدارته اعطایی تان نشان داد که در سایر عرصه ها نیز نا بلدی می کنید و گناه تان هم نیست از یکطرف دوره، تحصیل را ختم نکرده اید و بیجاست که از شما توقعات بزرگ داشت و از طرف دیگر اختیار ندارید، اما درهمین مورد لطفاً توضیح بدهید که چه می خواهید بگوئید:

«نه صدراعظم وم نه صدراعظم یم مخصوصاً د موافقتنامی دتکمیل نه بعد مونږ غوښتل چه دا موضوع په دغسی یو شورا کی اعلان کړو......»

اگر صدراعظم نبودید چرا از موقف و صلاحیت صدراعظم صحبت می کردید، سفر ها انجام میدادید ، اوامر حتی غیر قانونی و غیر شرعی اعطا می فرمودید، جلسات کابینه را تا چار آسیاب زحمت میدادید، چه می خواستید بازی با سرنوشت مملکت؟

امروز که بیکفایتی تان ثابت شده میگوئید که صدراعظم نبودم، دیروز چرا سرپرست وزارت داخله، قوماندان پولیس، والی، معین وزارت ، رؤسای اداری وغیره تعیین می فرمودید، واضح اقرار کنید ، حالا دیگر آن قدر آبرو ندارید که از اظهار حقیقت چیزی برایتان باقی بماند، بگوئید که صدارت برایم اعطاء شد، کفایت نداشتم، در مقر کار خود از ترس رفته نتوانستم، بهانه میکردم که برایم مشکلات امنیتی را حل کنند، ملیشیا ها را بهانه میکردم، اما بالاخره با همان ملیشیا هایی که گویا به خاطر شان به صدارت نرفتم شورای ائتلافی تشکیل دادم.

کجای این حرف ها را مردم نمیدانند که شما می خواهید آن را پنهان کنید؟

کور را از شب تاریك چه باك؟!

و راستی نا گفته نماند که محیلانه می فرمائید که میخواستید استعفای تان را در ختم معاهده، اسلام آباد در شورای بزرگ اعلان کنید، پس کودتای مشترك با دوستم در ۱۱ جدی چرا؟ و اگر صدراعظم نبودید چی را در شورای بزرگ اعلان می کردید، چرا ۱۸ ماه انتظار؟

آقای امیر!

مدت درازی میشود که پیوسته اظهارات شما حس حقارت تان را نمایش میدهد و در برابر استاد ربانی ، استاد سیاف و مسعود خود را حقیر احساس می کنید، زیرا می خواهید همیشه به آن ها تهمت ببندید، واضحست که از چی رنج می برید، استاد سیاف و استاد ربانی تحصیلات مکمل دارند و برعکس شما ، فروخته شده نیستند و مستقلانه و بدون زد و بند با کریموف تصمیم میگیرند!! وشما نمی توانید و اما در مورد مسعود خیلی حساسیت نشان میدهید، زیرا خود نیز میدانید که یگانه راه توجیه شکست های تان در برابر مجاهدین ، تهمت بستن به مسعود و استاد سیاف است ، مسعود را متهم به ارتباط با K G B می کنید واسناد ندارید، اما شواهد انکار ناپذیر ارتباطات خود با CIA، KGB و خلق وپرچم را پا سخ نمیدهید.

آقای امیر!

تلخی طعم شکست را کسی بهتر از شما درك نخواهد کرد، حالا خود بخوانید که شکست های اخیر تمرکز فکری تان را چقدر برهم زده است، تا چه حد کودکانه صحبت می کنید:

« ما هغه بله ورځ د زرداد مرکه اوریدله چه ویل یی یاره نور حزب د کینی ما دی یواځی......شورای نظار ته پریږدی... سیاف او خوږ من صاحب به سره پریږدو.»

حتماً با خواندن دو باره، این متن، خود تان نیز فهمیده اید که لحن تان طفلانه است، تمرکز فکری هم ندارید زیرا چند روز قبل از زرداد اظهار برائت کردید که در سروبی ظلم می کند، اما امروز که ورشکست شده اید دو باره دست به دامن او می اندازید، اما یك نکته را بدانید که حوادث دو سال اخیر استاد سیاف را موقعیتی بالاتر از گذشته بخشید و فقط شما را از موقف رهبری در سطح یك قوماندان دوستم پائین آورد، اما اگر دوستم مصاحبه تان را بخواند خفه خواهد شد زیرا می گوئید که «زه به د چار آسیاب نه لاړ شم جلال آباد ته» چرا جلال آباد؟ دوستم از مدتی به اینسو در جوزجان برای شما مهمانخانه تهیه دیده است وشما جلال آباد می آئید!!

جناب امیرالامرا!!

۸ سال میشود که من در پشاور ، ایران و اسلام آباد مهاجر استم و طی این سال ها فهمیده ام که بهانه جو و بزدل استید اما خوب شد که با این گفته ها این دو صفت تان را نیز دروشتر نمودید:

« حتی گفته اند که ما اصرار نداریم که این مذاکرات در هرات باشد...» ما گفتیم که اگر مسأله از ین قرار باشد ما موافقیم که مذاکرات درمحل مورد نظر ما آغاز شود و میزبانی آن را شما کنید.»

بهانه جویی تان درینست که نظر به این گفته هایتان با میزبانی برادر اسماعیل خان موافق هستید ولی حالا بهانه می کنید که او عضو جمعیت است و بزدلی تان درینست که از رفتن به هرات با وجود اطمینان ها هراس دارید ، اما اسماعیل خان توانست که به چار آسیاب بیاید، حالا خود بگوئید آیا حق دارید که جلسه، هرات را رد کنید؟

جناب امیر:

درمصاحبه تان به استاد ربانی تهمت بسته اید که از پریشانی ، سوال خبر نگار را نفهمیده جواب داده است، اما جالب است که خود تان در برابر سوال فرمایشی خبرساز تان بی رابطه ترین جواب را ارائه داده اید.

مواج می پرسد:

«از تشکیل شورای هم آهنگی چند ماه میگذرد درین مدت چگونه اثراتی بین اعضای شامل در شورای هم آهنگی از نگاه نظامی و سیاسی به وجود آمده است؟» و شما که به دیگران تهمت می بندید وبا وجود تحصیل ناقص و سن کم خود استادان بزرگوار را «تو» خطاب می کنید، اثرات نظامی و سیاسی اعضای شوراء - آهنگی بر همدیگر را چنین توضیح داده اید:

«امروز تمام کابل از کارته ۳ وکارته ٤ اکمال میشود در جریان همین محاصره مارکیت های تازه وبزرگ در کارته ۳ و کارته ٤ ایجاد شده واگر بازار ها درین سمت بسته شده بازار جدیدی بروی آن ساخته شده در ده دانا و دوغ آباد که مثال های خوبی است.»

مرحبا!

حق انتقاد گیری راهم داشته اید، زیرا سوال را به خوبی درك کرده اید آن هم سوال فرمایشی را و اثرات نظامی و سیاسی اعضای شورای هم آهنگی برهمدیگر را که در ده دانا و دوغ آباد مارکیت ساخته اند، خوب توضیح داده اید.

معلوم میشود که شما را درین مارکیت مسؤول میوه وترکاری ساخته باشند.

جناب امیر!

باور نخواهید کرد که در روز های اول مهاجرت خود و حتی درسالهای اول «۱۳٦٤-۱۳٦٦» من یکی از مدافعین سرسخت شما بودم و اما اتخاذ سیاست های کودکانه ، ائتلاف های تان با تنی و نجیب، دشمنی واضح تان با مجاهدین سایر تنظیم ها همه وهمه باعث شدند تا ازشما فاصله بگیرم و حتی در برابر برخی دوستان لاجواب نیز بمانم، زیرا حرف های وارد آن ها را درمورد شما رد می کردم، اما هنوز هم میخواهم راه اصلاح تان را پیش بگیرید، یادم است که درصحبت های تان پس از شکست ها در جلال آباد (۱۳٦۷) می گفتید که ما قوای هوایی نداریم و بالاخره با هزار خجالت اکنون مؤتلف تان دوستم قوای هوایی دارد ولی هنوز هم شکست می خورید، از ائتلاف با دوستم خیلی مغرور بودید از اشغال تخار، بدخشان، هرات و... لاف میزدید ، اما بالاخره هر مرتبه شکست خوردید و آغا بلی های شهادت تان را شرمنده ساختید، زیرا پایه های مردمی ندارید:

سفله با جاه نیز هیچ کس است
موراگر پر بر آورد مگس است

شما با وجود ائتلاف با دوستم، مرید شدن به کریموف وسایراستعمار گران غربي هنوز هم مگس استید و امیدوارم این مگس به زودی کاملاً نابود شود.

ارادتمند شما

جگرن محمد عارف رادفر

لنډه کیسه

سوالگره

احمد شاه ((وحدت))
Ahmad Shah (Vahdat)
A. K. P. O.

د سرك پر سر یوه نانوایی تر ځنگ ناسته ده ، سرك باندی د پلیو کسانو بنه بیرو بار دی ، موټر هم داسی یو بل پسی د زنځیر د کړیو په شان پیړل شوی چی چاته له سرك څخه د پوری وتلو مجال نشته ، زوی او لور د مور تر ځنگ لوبی کولی:

...... یوه لاری ...... دوه لاری

...... یو بس ...... دوه بسه ......

خو چی د موټر پر سر یی خپل مینځ کی دعواشی مور ته رامنډه کړی:

...... موری ! دا غلی کړه ....

مور بیا زوی او لور د ځان تر ځنگ کینوی :

...... بس جگړه مه کوی

......همدلته ودریږی ......

دوی بیخی بلی دنیا کی دی خو موریی بیا د پلی کسان هرگاه شماری او چی څوك ددی یا نان وایی خواته راتاو شی له ځایه جگه شی، لاسونه چادری لاندی پټ کړی چی څوك یی و نه گوری د پیغلی گمان پری ونکړی و حیاء او عزت یی وساتل شی، زوی او لور یي بیا بایسکل ته لاس ورواچوی، بایسکل والا نان وایی ته راتاوشی دواړه گرد تری تاویږی :

...... دا خو مو د لالا جان بایسکل دی ......هماغه دی ......

لور مورته رامنډه کړی له پښو غیږ تری چاپیره کړی :

...... موری ...... موری ...... دا د لالاجان بایسکل نه دی ......

خو موریی د بایسکل والانه لاس نیولی:

...... دخدای لپاره یوه ډوډي خو راته واخله ...... ماشومان می وږی دی ......هیڅ شی نلرو......

ډوډی اخیستونکی سر ورته وښوروی ، په نان بایی کی یو زر، زر پیری جوړوی ډوډی بل پطپیدی ډوډی تناره ته وروولی او بل هم په سیخ پخه کړی ډوډی راوباسی چی ځنگه دوه ډوډی[1] پر مخامخ تختی واچوی اخیستونکی یوه راواخلی او دی ته یی ورکړی ، هغه چی ډوډی لاس ته راوړی غواړی خلتی ته یی واچوی چی د یوی خوا د نان وایی د تناره سور سیخ یی پر لاس ولگیږی :

...... لر ی شه ...... چی هر سړی ډوډی اخلی تا لاس ورته نیولی وی...... پر شاگرد را غږ کړی:

دالری کړه ...... لری یی وشړه......

دنان وایی شاگرد راکوزیدو کی وی چی زوی او لوریی ډوډی ته لاس ورواچوی مور یی ډوډی کلکه لاس کی نیولی خو زوی یي زاری ورته کوی: ......موری لږ راکه ...... وږی یم...... سهارمی هم چای نڅښکه......

موریی له ډوډی څخه یو کونج راپری کړی ، زوی او لور ته یی ورکړی او نوره خلتی ته اچوی چی د نان وای شاگرد پسی راکوز شی:

......لری شه ...... ځهٔ له دی ځایه لری شه ......

مخامخ ستنی ته دواړه ووهی دٔ لاس سوی یی زیات شی، پویی کړی خو سوی یی نه کراریږی زوی او لور رد، رد ورته گوری ، زوی ورته وایی :

...... موری! ...... ولی !! څه دی ؟!...

دا لاس ور اوږد کړی دواړه د ځان تر ځنگ کینوی ، بیا غواړی د لاس سوی کرار کړی د زیات سوی نه یی لاس وریږدی، تر ځنگ یی ځمکه خوښته ده له هغی لږه ختهٔ راواخلی

او پرسوی ځای یی کیږدی خو هغه سوی ځای تر ځنگ یو بل تور داغ هم .ی غواړی پر هغه سم ختهٔ کیږدی خو هغه سوی نه کوی هغه د سوی دوران تیر کړی خو په لیدو یی یوه ژور چورت کی ډوبه شی دځان سره گنیږی : ...... هلته هم چی له قطار څخه ووتم د تناره پر سور سیخ یي ووهلم ...... خو هلته می چ ته لاس نه وٓوړد...... خپل وطن وٓ...... خیر گرانی وه خو دی خوږوندی وٓ ...... هغه سنیر ا خومی خدای قبوله کړه خو اوس ؟!...... لاس یي بیا سوی وکړ لاړی پری کینښودی، وبی میږلی زړه کی سنیراوکړه او دنان بای خواته یي ولیدل، گوری چی څو تنه ورته ولار دی او ډوډی اخلی پر سوی یی لوږه غالبه شی ور جگه شی او هغوی ته لاس ور اوږدکړی :

... یوه ډوډی خو راته واخلی؟!...... هیڅ حوك نلرم ...... ماشومان می وږی دی......

یو تن یوه کلداره ورکړه او هغه بل غواړی د تختی له سر څخه یوه ډوډی را واخلی او وربی کړی چی د نان وایی ځښتن بیا پری راغږ کړی :

...... لری شه ...... شکل دی ورك که ...... هیڅ شرم نلری...... لږه را لری شی خو د ډوډی اخیستونکی پر نان بای والاباندی ور برگ شی:

...... ولی ؟...... څه یی کړی ......

له تا خو یی څه نه دی غوښتی ...... د نان بای والا ورته وایی:

...... وروره ! اخیستونکی په تکلیف کوی ...... هر سړی چی ودریږی دا ورته رامخی ته شی......خو اخیستونکی ورته وایی :

...... خیر ... لږه حوصله کوه ......

خپله وطنداره دی ده...... مجبوره ده ...... مرسته ورسره وکړه ......

دا په ډیری عاجزی زوړند سر دریدلی،په خوله څه نه وایی خو په زړه کی د ولی؟!

زیاتی پوښتنی گرځی، سترگو کی اوښکی راشی په ژړا شی او دزړه له تاو یی له خولی یوه کریکه راووځی :

ای خدایه! رموږ گناه څه ده؟!...... گناه ....

گفتید، بشنوید

شهادت: د هیواد د روانی غمیزي اساسی حل سوله او که جنگ؟

فتح: تاسو جنگ غواړی، که نه نو دحل لاره سوله ده.

شهادت: آشوبگران در ولسوالی سبز پارسا تار و مار شدند.

فتح: مثل اینکه اشتباهاً سبز پارسا را بجای تپه مرنجان و قلعه بالاحصار گرفته اید.

شهادت: چه کسانی به احساسات ملت خواهی دامن مي زند.

فتح: معلوم ست همانهانیکه از ملت تجرید شده و به جنگ و خونریزی دست میزنند.

شهادت: ازبوسني تا افغانستان.

فتح: راه را غلط کرده اید، شما که به ازبکستان میروید.

شهادت: سیاف را بشناسید.

فتح: کل طبیب شود سرخود را دوا کند.

شهادت: مصیبت پاتك سازی و راه گیری

فتح: اینهم دست آورد و ابتکار شماست چرا خود ادعا میکنید که تمام راه ها را مسدود نموده اید.

شهادت: تصاویر رباني ، سیاف و مسعود و سکوت مرگبار اتحاد.

فتح: عذر بد تر از گناه، دست دادن مجددی با دختر جوان و برهنه کاریست حرام و زشت ، اما دفاع شهادت گناه بزرگتر.

شهادت: جن و شیطان.

فتح: ائتلاف همآهنگی

شهادت: ائتلاف در بعد سیاسی وعسکری به شکست مواجه میباشد.

فتح: یقیناً منظور تان ائتلاف هم آهنگی است که بدون شك عنقریب انفجار خواهد کرد

شهادت: رباني د دیکتاتورانو په نقش قدم

فتح:ولی نه وایی حکمتیار د ملیشیانو په نقش قدم.

شهادت: جهادی مشران دي خپل مسؤلیت اداء کړی.

فتح: خو شرط به نی دا وي چی ستاسو په گټه فیصله وکړي او که نه نو بیا تاسو حتماً ملاحظات لري !! او د التزام !! او عدم التزام !! خبری کوی.

شهادت: با فرسایشی شدن جنگ چه کسي متضرر خواهد شد.

فتح:معلوم است مردم مظلوم و بی دفاع، چون شما جنگ را هنر خود ساخته اید.

شهادت: یگانه راه استقرار صلح پایدار در افغانستان انتخابات است.

فتح: واگر این فال هم بر وفق مراد تان از آب درنیامد یقیناً انتخابات را نیز ائتلافی و غیر اسلامی خواهید خواند.

شهادت: کلید حل مسئله کشمیر در کابل است.

فتح: اگر کلید آن در کابل باشد حتماً قفل آن در چهار آسیاب است.

شهادت: کدام یك را باید پذیرفت؟

فتح:شما که ازقبل انتخاب نموده اید(ارگ یا مرگ).

شهادت: از تاریخ بیاموزیم.

فتح: مثل اینکه از جغرافیه چیزی بدست نیاوردید.

شهادت:نقش فرانسه در جنگ رواندا.

فتح: و نقش شما در راکت اندازي بالای مردم بی فاع

فتح

إنا فتحنا لك فتحاً مبينا

دور دوم نشراتی شماره هفدهم ۲٤ اسد ۱۳۷۳ هـ ش
۹ ربیع الاول ۱٤۱۵ هـ ق. ۱۵ - اگست ۱۹۹٤ م.

جمهور رئیس فاروق احمد خان لغاری:

پاکستان د افغان قضیی د سوله ییز حل ملاتړ کوی

د پاکستان رئیس جمهور فاروق احمد خان لغاری ویلی دی چی پاکستان د افغانستان د ستونزی سوله ییز حل لپاره د اسلامی کنفرانس، سعودی عربستان او ایران سره په شریکه هڅی کوی. د پاکستان جمهور رئیس وویل چی پاکستان په افغانستان کی د امن او ثبات راوستو په غرض په اخلاص منده اوتر ړه وهی. نو موړی دا خبری قبایلو ته د خپلی وینا په ترځ کی وکړی.

تلاش افراد حکمتیار برای پوسته سازی در مسیر راه های دوبندی - جاجی ناکام ماند

گزارش های رسیده به نقل از فرقه ۳٦ جهادی ولایت لوگر حاکیست افراد حکمتیار که تلاش داشتند منطقه استراتژیك دوبندی در ولایت لوگر را از تصرف قوم احمد زی به اشغال خود بیاورند با مقاومت شدید قوم نامبرده مواجه گردیده مجبور به عقب نشینی شدند. گزارش علاوه می کند جنگ با اعزام افراد تازه دم به منطقه به شدت ادامه داشته از تعداد تلفات و خسارات گزارش دقیقی در دست نیست.

ستوریس موسوریس نماینده ملل متحد در رابطه با افغانستان:

حملات راکتی علیه مراکز و افراد غیر نظامی، شفاخانه ها و دفاتر سازمان ملل را محکوم نموده آنرا جنایت خواند

رادیو بی بی سی شب ۲۲ اسد از کابل گزارش داد ستوریس موسوریس حملات شدید راکتی بر مواضع غیر نظامی، شفاخانه ها، دفاتر سازمان ملل و دیپو های دوا و سامان آلات طبی در کابل را شدیداً محکوم نموده این حملات راجنایت جدید خواند.

نماینده ملل متحد گفت در دیپو های وزارت صحت عامه دوا های متعلق به سازمان ملل متحد انبار شده بود، مسوریس ادامه داد با تشدید درگیریها و سوختن مواد داروئی، شفاخانه ها باکمبود جدی دوا مواجه شده است.

نماینده ، سازمان ملل هم چنان از افزایش جنگ و حمله به شفاخانه ها ومنازل مسکونی مردم شدیداً انتقاد کرده خواستار آتش بس فوری حد اقل برای مدت دو هفته از جوانب درگیر گردید تا زمینه، ای از سرگیری فعالیتهای جامعه ملل مساعد گردد.

موسوریس اضافه نمود هرچند حمله در منطقه تحت کنترول دولت صورت گرفته ولی فرد و یا گروه خاصی را مسؤل حملات موشکی معرفی نکرد.

نماینده ملل متحد از فیصله شورای امنیت مبنی بر قطع ارسال اسلحه به افغانستان استقبال نموده گفت:

فیصله شورای امنیت نشان میدهد که سازمان ملل متحد قضیه افغانستان را به دقت تحت نظر دارد.

لازم به یاد آوریست حملات راکتی مخالفین جهت تحت الشعاع قرار دادن فعالیت های بین المللی که برای تأمین صلح در افغانستان جریان دارد صورت گرفته است.

دپاکستان داستقلال ٤۷ کلیزه ولمانځل شوه

اسلام آباد:

داگست میاشتی په ۱٤ نیټه دپاکستان داستقلال او خپلواکی ٤۷ کلیزه دپرتمینو مراسمو په ترڅ کی ولمانځل شوه. په هغی غونډه کی چی په اسلام آباد کی دپارلمان په وړاندی جوړه شوی وه دپاکستان صدر اعظمی بی نظیر بهټو برخوالو میلمنو ته وینا واوروله، میرمن بهټو دخپلی وینا په ترڅ کی وویل: افغانانو یوه لسیزه مقاومت وکړ نه یواځی دا چی دخپل هیواد استقلال یی تر لاسه کړ بلکه دمنځنی آسیا په نقشه کی یی ستر تحول او بدلون رامنځته کړ.

میرمن بهټو دافغانستان داوسنیو حالاتو په اړه وویل: زمونږ په محبوب گاوندی هیواد کی چی کوم جگړه روانه پدی اړه زه دوینی اوښکی تویوم.

پاکستان دافغانستان داوسنی بحران په اړه پخپل بیطرفانه دریځ ټینگار کوی او پدی اړه دملگرو ملتونو او اسلامی کنفرانس سوله ییزو هڅو څخه ملاتړ کوی.

دپاکستان داستقلال ٤۷ کلیزی په مناسبت دافغانستان اسلامی دولت جمهور رئیس پروفیسور برهان الدین ربانی دپاکستان دجمهور رئیس فاروق احمد خان لغاری او صدر اعظمی بی نظیر بهټو په نامه دمبارکی پیغامونه را استولی دی.

دملیشانو یوه هلیکوپټر الوتکه...

د بغلان ولایت نه په رارسیدلی خبرونو کی ویل شویدی چی د افغانستان اسلامی دولت غښتلی اردو د خپلو بریالیو او پر له پسی عملیاتو په نتیجه کی د ملیشیانو یوه هلیکوپټر الوتکه د پلخمری په سیمه کی رانسکوره کړیده.

دغی الوتکی د ملیشیانو قواو ته اکمالاتی دنده تر سره کوله چی د اسلامی اردو لخوا رانسکوره شوه د الوتکی پیلوټ سخت ټپی شویدی او د سورلی ومرگ ژوبلی په اړه څه معلومات ندی تر لاسه شوی.

چهار موضع مستحکم ملیشه ها ...

صبح روز ۲۱ اسد سال جاری ملیشه ها از استقامت قلعه احمد خان بر مواضع دولت اسلامی حمله نمودند که در نتیجه دفاع و ضد حمله نیرو های اردوی اسلامي ملیشه ها شکست خورده مجبور به عقب نشینی گردیدند.

نیرو های اردوی اسلامی در جریان دفاع از مواضع شان و تعقیب دشمن شکست خورده چهار موضع مستحکم آنها رابه تصرف خود در آوردند.

در این ضد حمله یك ضرب توپ نیرو های دشمن تخریب گردید. همچنان در پاسخ به حمله ملیشه ها مواضع آنها در چهار آسیاب و ولسوالی بگرامی هدف بمباردمان طیارات نیروی هوائی قرار گرفت.

فتح

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
(خارج کشور)
صاحب امتیاز: جمعیت اسلامی افغانستان
تحت نظر هیئت تحریر

آدرس ما

G.P.O. BOX. 1102-
پشاور - پاکستان